



بررسی

رابطه تحول

روانی - اجتماعی

و تحول شناختی

در دختران

۱۲-۶ سال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

زهرا تیزرو

مقدمه: انسان موجودی اجتماعی است و رفتارش از دیگران اثر می‌پذیرد و خود نیز بر دیگران تأثیر می‌گذارد و این تأثیر و تأثر متقابل از آن جهت است که انسان از لحظه تولد تا مرگ به دیگران نیازمند بوده و بدون

(نگهداری‌های ذهنی) به عنوان یکی از نموده‌های تحول شناختی کودک همبستگی وجود دارد؛ و آیا نتایج حاصله در کشورمان با نتایجی که در فرهنگ‌های دیگر بدست آمده است یکسان است یا خیر؟

پیش گفتار: در این پژوهش محقق در پی آن است تا رابطه «تحول روانی - اجتماعی»^(۱) را با «تحول شناختی»^(۲) مورد بررسی قرار دهد و مشخص نماید که آیا بین تحول اجتماعی با ظرفیت عملیاتی

آنان قادر به برآوردن نیازهای مادی و معنوی خود نیست، بنابراین صفت مشخصه انسانها، اجتماعی بودن آنهاست. تشکیل یک جامعه، الگوها، قوانین و هنجارهای خاصی را طلب می‌کند که با توجه به شرایط خاص زمانی و مکانی، این هنجارها در جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوتند و این مهم از طریق انتقال و آموزش فرهنگ نسل‌های گذشته به صورت خودبخودی یا به شیوه منظم و منسجم بوسیله نهادها و ارگانهایی که وظیفه آموزش و پرورش نسل جدید را بر عهده دارند، صورت می‌گیرد.

بیان مسأله: در هر مرحله از مراحل تحول کودک دو نوع تحول همگام با یکدیگر صورت می‌گیرد. تحول شناختی و روانی اجتماعی و در این ارتباط همواره این سؤال مطرح است که آیا بین این دو ارتباطی وجود دارد؟ به طور کلی کودکان از چه زمانی قادر به تمایز بین درست از نادرست، خوب از بد و هنجارها و ارزش‌های جامعه از ضد ارزش‌ها هستند، و آیا رفتارهای اجتماعی کودکان را با توجه به مراحل شناختی و عقلی آنان می‌توان پیش‌بینی نمود؟ با پاسخ بدین سؤالات و با در نظر گرفتن مراحل دگرگونی ساخت فکری کودک می‌توان رهنمودهای مناسب و صحیح را در اختیار والدین و مراکز مشاوره، تربیتی و درمانی قرار داد. از طرف دیگر نهادهای جامعه می‌توانند با آگاهی و برنامه‌ریزی مناسب و مدون با توجه به سن تحول کودک، به امر مهم اجتماعی کردن کودک اهتمام ورزند.

اهمیت و ضرورت تحقیق: در اکثر جوامع بشری تربیت افراد در رأس امور مهم اجتماع بوده است، تربیت عبارت از سازگار نمودن سریع و مطمئن فرد با زندگی اجتماعی و غایت فردی است. غایت اجتماعی تربیت عبارت است از پیشرفت دادن بشریت، یعنی نسل‌هایی که بهتر تربیت شده باشند و آمادگی بهتری برای انجام تکالیف اجتماعی خود داشته باشند، در این فرآیند تلاش بر آن است تا کودک به

جایی اینکه اطلاعات خود را به صورت قالبی از بیرون کسب کند آنها را با کوشش و تجربه فردی به تملک خود در آورد و جامعه نیز متقابلاً از نسل‌های جدید، غنای شخصیت یعنی کاری بهتر از تقلید صرف انتظار دارد. شناخت این مراحل تحولی می‌تواند در تسریع و تسهیل امر تربیت کمک نماید و به امر برنامه‌ریزی مسئولان تربیتی جامعه کمک شایانی نماید.

تعریف متغیرها:

تحول شناختی: تغییرات تدریجی در ساخت‌های فکری است که ارگانیزم بوسیله آن اطلاعاتی را راجع به محیط خود کسب می‌نماید و آن اطلاعات را برای تنظیم رفتار خود مهیا می‌سازد. مانند: ادراک، تشکیل مفاهیم، استدلال و ... در اینجا با اجرای آزمون‌های نگهداری ذهنی (مقدار ماده، وزن، حجم) پیاز و تعیین ظرفیت عملیاتی آزمودنی مشخص می‌شود.

تحول روانی - اجتماعی: تغییراتی است که در زمینه تکامل قسمت‌های مختلف بدن با جنبه‌های عملکردی بوجود می‌آید و برطبق آن کودک واجد یک رشته شناسایی‌ها می‌گردد که با استفاده از آنها به کسب قواعد زندگی، باورها و آرمان‌های منطبق با محیط اجتماعی نائل می‌گردد و سطح این جنبه از تحول با پرسش‌نامه زانو^(۳) که توسط مادر آزمودنی پاسخ داده شده است، سنجیده می‌شود.

فرضیات تحقیق:

- (۱) افزایش سن در تحول روانی - اجتماعی مؤثر است.
- (۲) بین سنجش‌های مختلف آزمون تحول روانی - اجتماعی یعنی بخش خودراهبری، تحول رغبت‌ها و روابط بین فردی با یکدیگر و با مجموعه پرسش‌نامه همبستگی وجود دارد.
- (۳) بین تحول روانی - اجتماعی و تحول شناختی همبستگی وجود دارد.

مروری بر چهارچوب نظری:

اجتماعی شدن بر اساس برخی

تعاریف موجود: اجتماعی شدن، روند اخذ معارف، الگوها، ارزش‌ها و نمادها می‌باشد و به طور خلاصه شیوه‌های عمل، تفکر و احساس خاص گروه‌ها، جامعه و تمدنی است که هر شخص مجبور به زندگی در آن است، این روند از بدو تولد آغاز و در تمام طول حیات ادامه می‌یابد و متوقف نمی‌شود مگر با مرگ، (گی رشه^(۴)). از نظر کیوین دورکین^(۵) اجتماعی شدن فرآیندی است که به موجب آن مردم قواعد رفتار و نظام‌های اعتقادی و بازخوردهایی را کسب می‌کنند که شخص بدان وسیله مجرم می‌شود تا به نحو مؤثری به عنوان یک عضو جامعه رفتار کند. (دورکین، ۱۹۹۵).

در فرهنگ زبان انگلیسی، این واژه فرآیند تعامل بین یک شخص و محیط اجتماعی او را نشان می‌دهد که در نتیجه آن یک سازش متقابل بین فرد و جامعه بوجود می‌آید. در معنای اخیر اجتماعی شدن فرآیندی است روانی - اجتماعی که بر پایه آن شخصیت اساسی تحت تأثیر محیط مخصوصاً نهادهای تربیتی، دینی و خانوادگی تشکّل می‌یابد. (بیرو، آن، ۱۳۶۶^(۶)).

در روانشناسی، اجتماعی شدن عبارتست از توحید اجتماعی کودک در جریان تحول، در این سیر، وسیله ارتباط زبانی و یک رشته از شناسایی‌ها در اختیار کودک قرار داده می‌شود و او در تماس با آنها به کسب قواعد زندگی، عادات، طرق فکر کردن، چارچوب‌های قضایی، زمانی، باورها و آرمان‌های منطبق با محیط اجتماعی که در آن پرورش می‌یابد نائل می‌گردد. (دادستان، منصور^(۷) ۱۳۶۷).

در تعاریف متفاوت از قضیه اجتماعی شدن، در مورد این مسئله توافق نظر وجود دارد که در روند اجتماعی شدن کودکان با قبول معیارها، استانداردها و ارزش‌ها، رفتارهای مورد نظر فرهنگ و جامعه خود را می‌آموزند و رفتار خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که هماهنگ با انتظارات آن جامعه می‌باشد، به عبارتی دیگر اجتماعی شدن یعنی همان فرهنگ‌پذیری. در واقع



به فکر خود نسبت می‌دهد. رویای آینده‌ای پیروزمند همراه با ایجاد دگرگونی در جهان را در سر می‌پروراند.

از نظر پیاژه تحول اخلاقی در کودک دو مرحله مشخص را طی می‌کند. مرحله «دیگر پیروی» که مربوط به سنین ۶-۹ سال است و مرحله دوم که از نظر سنی ۱۲-۹ سال را در بر می‌گیرد. مرحله خودپیروی که استقلال عمل نامیده می‌شود، اخلاق کودک متشکل از امر و نهی‌ها و دستورات بزرگسالان است و گفتار بزرگسالان قطعی و مقدس تلقی می‌شود در صورتی که در مرحله خودپیروی (۱۲-۹ سال)، کودک به اعمال، بیش از نتیجه‌ظاهری آن اهمیت می‌دهد و قادر به درک رابطه علت و معلولی می‌گردد. از دیدگاه پیاژه، بازی کردن کودک با همسالان یکی از مهمترین عواملی است که به کودک برای عبور از مرحله دیگر پیروی به مرحله خودپیروی یا استقلال کمک می‌کند.

کلمبرگ^(۱۶) نیز در پی مطالعات و تحقیقاتش درباره تحول اخلاقی، شش مرحله تحول اخلاقی از کودکی تا بزرگسالی را توصیف کرده است. این شش مرحله در سه سطح قضاوت اخلاقی که کلمبرگ آنها را پیش قراردادی، قراردادی و پس قراردادی، نامگذاری کرده است، می‌گنجد.

تأثیر عوامل مختلف در اجتماعی شدن کودکان:

برای روانشناسان اجتماعی، خانواده یک گروه از میان دیگر گروهها محسوب می‌شود اما خانواده اولین و معمولاً قابل دسترس‌ترین گروه اجتماعی است که فردی به آن ملحق می‌شود در بیشتر جوامع خانواده سنگ بنای ایجاد هویت فردی است و مکانی است که ارتباطات با ساختار اجتماعی در آن نضج می‌گردد، تجربیاتی که در گروه خانواده بدست می‌آیند نه تنها کاربردهای خوبی را برای سازگار شدن و انطباق با گروههای بعدی در جامعه دارد بلکه برای ایجاد هویت گروهی امری طبیعی محسوب می‌شود. نظام خانواده در

مجموعه‌ای از نظام‌های بزرگتر قرار گرفته است مسانند محله، جامعه و جامعه گسترده‌تر. این نظام بطور مستقیم یا غیرمستقیم با استفاده از روش‌های مختلف تربیت در کودکان تأثیر می‌گذارد. و نوع شخصیت والدین نیز در شکل‌گیری شخصیت کودکان تأثیر می‌گذارد. (کیوین دورکین ۱۹۹۵) همچنین ارتباطات بین خواهران و برادران در روند اجتماعی شدن کودک از این رو اهمیت دارد که اولین دنیای اجتماعی کودک محسوب می‌شود (لمب^(۱۷)، ۱۹۸۲) البته نقش خواهران و برادران در شکل‌گیری شخصیت و تحول اجتماعی کودکان به چندین عامل بستگی دارد. از جمله، جنس کودک، تعداد کودکان، سن، داشتن خواهر یا برادر و ترتیب فرزندان. بطور کلی فرزندان بعدی (بعد از کودک اول) به دلیل تعامل با خواهر یا برادر بزرگتر از خود و تقلید از آنان مهارت‌های اجتماعی مهمی را کسب می‌کنند و به دلیل در نظر گرفتن خواسته‌ها و نیازهای آنان، رفتارشان دوستانه‌تر و پذیرا تر است و از دیگران توقع کمتری دارند.

پس از آن گروه همسالان در فرآیند اجتماعی شدن، مهارت‌های اجتماعی مهمی را به کودکان می‌آموزند که بزرگسالان به هیچ وجه نمی‌توانند آنها را به کودک منتقل کنند، به عنوان مثال چگونگی کنش متقابل با همسالان، چگونگی ارتباط برقرار کردن با فرد رهبر، چگونگی کنار آمدن با سلطه‌جویی و دشمنی دیگر افراد در گروه و همچنین اثرات روان درمانگری قابل ذکر است (ماسن ۱۳۷۰).

پیاژه در اثر خود تحت عنوان «قضاوت اخلاقی کودکان» به بحث در این مورد می‌پردازد. او تأکید زیادی بر اهمیت تجربه کودک با همسالانش در مقایسه با بزرگسالان کرده است چنانچه در بازیها، کودکان خود تقابل اجتماعی‌شان را نظم می‌بخشند. حتی بهتر از زمانی که تحت کنترل بزرگسالان قرار دارند (باتروث ۱۹۹۴) او معتقد است که عدم توافق شناختی بین دیدگاه‌های همسالان کودک را به این

مسئله رهنمود می‌کند که برای حل مسئله می‌توان به بیشتر از یک راه حل دست یافت بنابراین کودکان از طریق تقابل اجتماعی به ساختار شناختی دست می‌یابند که پیش از آن فاقد آن بوده‌اند.

دقیقاً نمی‌توان گفت که نفوذ همسالان چه وقت اهمیت پیدا می‌کند ولی می‌توان آن را به سه دوره زمانی سالهای قبل از دبستان، سالهای دبستان و نوجوانی تقسیم نمود، البته رابطه دوستانه در کودکان دبستانی نقش بسزراکتری را در الگوی اجتماعی آنان دارد و نیمی از این روابط در طول سالهای مدرسه تداوم می‌یابد، در این دامنه سنی نقش جنس و سن در تداوم و بقای روابط دوستانه قابل اهمیت به نظر می‌رسد. پسران تمایل دارند در گروههای بزرگتر قرار گیرند و دوستان بیشتری داشته باشند در حالی که دختران و ققتشان را بیشتر با یک دوست می‌گذرانند. روابط دختران با هم بیشتر بر پایه رازگوییهاست و در پسرها بر پایه وقایع و حقایق است.

همچنین در تحقیقاتی که در رابطه با تأثیر همسالان بر رفتار کودکان و نوجوانان انجام گرفته، نشان می‌دهد که تأثیر یک گروه همسال بر عقاید، عادات و رفتارهای کودکان در تمامی سنین دیده می‌شود و بالاترین حد این تأثیرات در حدود سنین ۱۴ - ۱۲ سالگی است، خصوصاً این سنین آسیب‌پذیرترین سنین برای تحت فشار قرار دادن همسال برای شرکت در فعالیت‌های ضداجتماعی است، البته نوجوانی که به خانواده خود نزدیکتر است کمتر تحت تأثیر این فشار قرار می‌گیرد.

جالبترین تحقیق درباره تأثیر گروه همسال بر خود، در مورد مهاجرانی صورت گرفته که قادر نیستند به زبان مشترک صحبت کنند، کودکان اینگونه خانواده‌ها با گروه همسال هیچ فرهنگ و زبان مشترکی ندارند مشاهده شده که کودکان این خانواده‌ها برای برقراری ارتباط، زبان جدیدی را اختراع کرده بودند، البته این زبان جدید را کودکان از والدین خود کسب کرده بودند، این زبان در بین بچه‌ها تا جایی



متحول شده است که حتی قادر به گفتن مسائل پیچیده با آن بودند و علی‌رغم کوشش والدین در جهت حفظ زبان آب و اجدادی خود کودکان زبان مشترک همسالانشان را به عنوان یک زبان بومی پذیرفته بودند. (مارس، ۱۹۹۵)

عامل دیگری که بر اجتماعی شدن کودکان تأثیر می‌گذارد رسانه‌های جمعی است، برای شمار فزاینده‌ای از مردم رسانه‌های جمعی در فرآیند اجتماعی کردن افراد به جای مدرسه، اماکن مذهبی و حتی خانواده‌ها نشسته‌اند. و از میان آنها تلویزیون یکی از عوامل بسیار مؤثر در اجتماعی کردن کودکان محسوب می‌شود. حتی می‌توان گفت که در تحول شناختی کودکان نیز مؤثر است. حتی زمانیکه کودکان از تلویزیون بعنوان وسیله سرگرم کننده استفاده می‌نمایند از آن چیزهایی نیز می‌آموزند.

مروری بر تحقیقات انجام شده: دل^(۱۸) در اثر خود بر روابط تنگاتنگی که بین تحول اجتماعی و بهره‌هوشی وجود دارد تأکید می‌کند. بلوم^(۱۹) در سال ۱۹۶۴ در مورد یادگیری جنبه‌های فرهنگی رفتار به تحقیقاتی اشاره می‌کند که نشان می‌دهند، تحول جنبه‌های فرهنگی رفتار متقارن با تحول هوش و برخی از ویژگی‌های شخصیت (مانند ستیزه‌گری، استقلال‌طلبی، برخی رغبت‌ها و ...) در دوران خردسالی است که و بین ۷ - ۲ سالگی سرعت زیادی دارد. (بلوم، ۱۹۶۴)

همچنین پژوهش‌هایی که توسط براکمن در سال ۱۹۷۸ و دیگران انجام گرفته است مؤید آن است که قضاوت اخلاقی با رفتار اخلاقی و جهت‌گیری اجتماعی با تحول شناختی در ارتباطند.

نتایج حاصله از تحقیقات بعدی رابطه مثبت در پذیرش تحول رفتار اجتماعی با مراحل تحول شناختی را نشان می‌دهد و اینکه تأثیر افزایش سن در تحول روانی - اجتماعی مورد تأیید برخی از محققان قرار گرفته است.

روش تحقیق: این تحقیق از نوع

غیرتجربی یا پس‌رویدادی است. متغیر مستقل این پژوهش تحول کودک است که نمودهای آن در نگهداری ذهنی و اجتماعی شدن مورد اندازه‌گیری واقع می‌شود و متغیر وابسته آن تحول روانی - اجتماعی (اجتماعی شدن) آزمودنی‌هاست.

جامعه آماری: دختران بهنجار ۱۲ - ۶ سال

نمونه آماری: ۱۰۴ دختر در ۴ مقطع سنی ۱۲ - ۱۰ - ۸ - ۶ سال در دو منطقه شمال و جنوب شهر تهران

روش نمونه‌برداری: نمونه‌گیری تصادفی

ابزار پژوهش: - مقیاس تحول روانی - اجتماعی «رنه زازو» به منظور تشخیص تحول روانی - اجتماعی در سه بخش خودراهبری - تحول رغبت‌ها و روابط بین فردی.

- انجام آزمون‌های عملیاتی نگهداری ذهنی مقدار ماده، وزن و حجم پیازه برای تعیین مراحل تحول شناختی.

شاخص‌های آماری: چارک پایین - چارک بالا - میانگین - میانه، انحراف معیار - انحراف استاندارد و T آستیدونت

بحث و تحلیل نتایج

در رابطه با فرضیه اول که «افزایش سن در تحول روانی - اجتماعی مؤثر است»، ملاحظه می‌شود که نمرات آزمودنی‌ها در مجموعه پرسشنامه تحول روانی - اجتماعی و نیز در سه بخش آن با افزایش سن بالا می‌رود. این نتایج نشان می‌دهند که در تهیه پرسشنامه دقت شده و سوالات براساس تحول فرد تهیه شده‌اند. نتیجه به دست آمده در تأیید تحقیقاتی است که در این مورد صورت گرفته است. تحقیق پارک^(۲۰) (۱۹۷۴) تأثیر سن را در آمادگی درک استدلال اخلاقی نشان داد، همچنین اسنדרف^(۲۱) (۱۹۹۴) نشان داد که با افزایش سن میزان ارتکاب اعمال منع شده کاهش می‌یابد.

نتیجه به دست آمده در تحقیق حاضر مؤید نظریه‌های پیازه، فروید و اریکسون است. پیازه در رابطه با قضاوت و رفتار

اخلاقی قائل به سنین خاصی است. او معتقد است که گذار از مرحله «دیگرپیری» به مرحله بعدی که مرحله «خودپیری» است به دنبال افزایش سن کودک صورت می‌گیرد. (کریمی، ۱۳۷۰)

همچنین فروید و اریکسون در نظریه‌های خویش به این مسئله اشاره می‌کنند که در پی افزایش سن کودک مراحل روانی - اجتماعی متفاوتی را پشت سر می‌گذارد که توفیق در هر مرحله و حل تعارض موجود در آن، زمینه‌ای برای حل بحران در مرحله بعدی است (دادستان، منصور، ۱۳۷۱).

آزمون همبستگی بین بخشهای مختلف آزمون روانی - اجتماعی با یکدیگر و با کل آزمون زازو، و با آزمون تحول شناختی که مربوط به فرضیه‌های دوم و سوم پژوهش حاضر است. در سطح ۹۹۹٪ معنی‌دار هستند. یعنی نتایج، مؤید همبستگی بین بخشهای مختلف آزمون تحول روانی - اجتماعی (بخش خود راهبری، تحول رغبت‌ها و روابط بین فردی) با یکدیگر و با مجموعه پرسشنامه و با آزمون تحول شناختی هستند. در نتیجه هر دو فرضیه دوم و سوم پژوهش حاضر تأیید می‌شود. به عبارتی اکتساب استقلال، هوش اجتماعی و فهم موقعیتهای اجتماعی یا بالا رفتن سن کودک و دستیابی او به شناخت بیشتر از خود و همچنین از محیطش در هر مرحله از تحول معنای تازه‌تری به خود می‌گیرند. براساس نظریه پیازه کودک به تدریج در سیر تحولی خود مجهز به ساختهای شناختی پیچیده‌تری می‌گردد که بدین وسیله نه تنها می‌تواند به صورت عینی و منطقی ببیند بلکه روابطش با محیط و دیگران دستخوش تفسیراتی می‌گردد (دادستان، منصور، ۱۳۷۱).

بسیاری از تحولات روانی - اجتماعی کودک که در پرسشنامه زازو آورده شده آشکارا با تحول شناختی کودک در ارتباطند همچنان که در تحقیق ویلیامز و دیگران (۱۹۶۹) آمده است پیازه پیش‌بینی کرده است که در گروه سرآمدان اکتساب



می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که در روند تحول روانی آزمودنیها در بعد ظرفیت عملیاتی ما شاهد تربیت توالی نگهداری ذهنی مفاهیم فوق هستیم و این نتایج نیز مؤید کلیه تحقیقاتی است که در این باره در کشورهای دیگر توسط پیاز و همکاران او صورت گرفته است.

فهرست اسامی و منابع

1. Psychosocial development
2. Cognitive development
3. Zazo, Rene. manuol pour lexmen psychologique delenfnt II 1969.
4. Gug Rocher
5. Durkin. Kevin. Developmental social psychology. 1995
6. Allen. B
- 7- دادستان، پ - منصور، م، ۱۳۶۷، دیدگاه پیاز در گستره تحول روانی
8. I.enski. G.
9. Freud. S.
10. Radford. Yohn.
11. Erikson. E.
12. Pappela, Diame E. Human developmen 1992.
13. Bowlby, Yohn.
14. Piaget, Yean.
15. Butter worth, Georg, 1994.
16. Kohlberg
17. Lumb, M. E
18. Doll, F. A
19. Bloom, B, S, Stability and change in human charactristics, 1964.
20. Park
21. Asendorf, Yohn, B. The malleability of behavior im hibition developmental psychology. 1994.
- 22- دادستان، پ - منصور، م، ۱۳۷۱ تربیت به کجا ره می‌سپرد.

مختلف سنی وجود دارد مربوط به تحول است و تحول کودک است که اجتماعی شدن کودک را تسهیل می‌کند.

نتایج آزمون هیچگونه تفاوت معنی‌داری بین آزمودنیهای مناطق شمال و جنوب در دو آزمون تحول روانی - اجتماعی و آزمون شناختی را نشان نمی‌دهند. به عبارتی بین گروههای مختلف اقتصادی - اجتماعی از لحاظ تحول روانی - اجتماعی و تحول شناختی تفاوتی وجود ندارد. تحول اجتماعی و شناختی در کودک تحت تأثیر عوامل متعددی در طول سالیان متوالی شکل می‌گیرد که از آن جمله خانواده، مدرسه، گروه همسال و رسانه‌های همگانی هستند. خانواده‌های ایرانی صرف‌نظر از سطح تحصیلات و وضعیت اقتصادی - اجتماعی دارای مشترکات فرهنگی خاصی در شیوه‌های فرزندپروری خویش هستند. که این شیوه‌ها خود به صورت قابل توجهی تحت نفوذ دیگر ارکان جامعه از جمله مذهب، باورها و اعتقادات فرهنگی و همچنین نهادهای جامعه از جمله آموزش و پرورش و ارگانهای مربوط به نشر آثار و تبلیغات، قرار دارند. که اینها به نوبه خود در ایجاد، تغییر و حذف رفتارهای مورد نظر با اهدافشان اقداماتی را انجام می‌دهند بنابراین ما شاهد تفاوتی عمده و چشمگیری بین ارزشها و هنجارهای افراد جامعه نیستیم. والدین در پاسخ به سئوالاتی که استقلال بیشتر فرزندان را می‌طلبد از جمله صرف اوقات فراغت مثلاً رفتن به سینما و انتخاب فیلم به تنهایی و رفت و آمد بین شهری؛ همه والدین بدون استثنا در هر دو منطقه اظهار داشتند که به کودکانشان اجازه چنین فعالیتهایی را نمی‌دهند. این مسئله علاوه بر اینکه نشان‌دهنده تفاوتی فرهنگی آشکاری است که بین فرهنگ کشورمان با کشورهای غربی وجود دارد، مبین یکسانی و همگونی این عقاید در شمال و جنوب شهر تهران نیز هست.

همچنین از مجموع نتایج مربوط به نگهداریهای ذهنی مقدار ماده، وزن و حجم

مفاهیم سریع‌تر صورت می‌پذیرد این پیش‌بینی به دنبال تحقیق در رابطه با تأثیر خود میان‌بینی بر مفهوم و تحول اجتماعی شدن در کودکان صورت گرفت که نهایتاً این فرضیه تأیید شد که بین آزمون شناختی سنجش نگهداری ذهنی و قابلیت ایفای نقش، همبستگی وجود دارد و دیگر اینکه سطح مفهومی و سطح میزان اجتماعی شدن دانش‌آموزان سرآمد به طور معناداری بالاتر از دانش‌آموزان متوسط بود.

همبستگی‌های درونی آزمون زانو در بخشهای مختلف آن و نیز همبستگی کل آزمون و بخشهای مجزای آن با سطوح مختلف آزمون شناختی (نگهداریهای ذهنی) در گروههای مختلف سنی آزمودنیها نشان داد که در مقاطع محدود سنی ۶، ۸، ۱۰، ۱۲ ساله‌ها بعضی از همبستگی‌ها معنی‌دار نیستند در حالی که در کل آزمودنیها تمام همبستگی‌ها معنی‌دار هستند این مطلب مؤید این نظر است که سن نمی‌تواند عامل تعیین کننده در تحول باشد یعنی نمی‌توانیم برای تحول کودک از نظر سنی مقاطع روشنی را مشخص کنیم. چنانکه پیاز خاطر نشان ساخته است تحول روانی معلول عوامل متعددی از قبیل عامل رشد ارگانیک و مخصوصاً رشد داخلی و تمرین و تجربه اکتسابی، تعاملها و تفویض‌های اجتماعی و عامل تعادل جویی، می‌باشد که این عوامل تحول را برای هر دو جنبه شناختی و عاطفی مشترک می‌سازد و تحول‌ناپذیری آنها به هیچ وجه یک توازی کنشی را، که حتی در جزئیات نسبتاً چشمگیر است. از میدان نمی‌راند (دادستان، ۱۳۶۷).

نتایج آزمون تفاوتی بین گروههای مختلف سنی در آزمون تحول روانی - اجتماعی و آزمون تحول شناختی، نشانگر این امر است که بین گروههای مختلف سنی هم در آزمون روانی - اجتماعی و هم آزمون شناختی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یعنی آزمودنیها در سنین مختلف با یکدیگر متفاوت هستند. اختلافاتی که در گروههای